

مهدویت و موعودگرایی

جلسه هفتم

موضوع: جوانگرایی و نبود حجاب در حکومت مهدوی و نحوه مشارکت مردم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

سنجه ای که حضرت برای انتخاب کارگزاران دارند و یا رفتاری که حضرت با کارگزاران دارند، بر چه مبنایی خواهد بود، مهم و مطمح نظر است.

این قضیه یک پازل است و باید گفت که حضرت در وهله اول، شایسته سالاری را در نظر می گیرند.

انسانهای مومن و صاحب عمل صالح را در نظر می گیرند

طبق این آیه که ان الارض يرثها عبادى الصالحون

این صالحون یعنی کارگزاران نظام مهدوی

جالب است تعبیر صالح وسیعترین واژه ای است که می تواند راجع به یک کارگزار به کار رود.

یک وقتی می گوئیم مسلمان یا شیعه یا با سواد یک دفعه می گوئیم امانت دار یا تجربه دار.....

اما اگر بخواهیم یک واژه ای را به کار ببریم که همه را به نوعی در برگیرد؛ آن تعبیر «شایسته» است.

ولذا قرآن نمیگوید ان الارض يرثها عبادى الفقها یا عبادى العالمون یا فلاسفه و...

میفرماید: عبادى الصالحون؛ کسانی که صلاحیت حکومت شرعی را داشته باشند.

چون حکومت، حکومت مهدوی است؛ و می خواهد که دستورات الهی حاکم شود، از آن طرف هم

باید صلاح و سداد مردم در نظر گرفته شود و باید مردم را برساند به مرز پیشرفتی که مد نظر است،

دقیقا صالح باید برای این کار باشد.

شایسته باشد و از سویی باید آشنا به برنامه حضرت باشد، از سویی با نیاز مردم از سویی حفیظ و علیم

باشد با امانت ها

ممکن است کسی این ها را بداند و این ویژگی ها را داشته باشد اما نتواند به اجرا بگذارد؛ صحبت این

است که حضرت سنجه ای که برانتخاب دارند، این است .

و لذا جالب است که در روایتی آمده است که عمده سربازان حضرت را ایرانی ها تشکیل می دهند. نه این که در غیر ایرانیها این شایستگی نیست البته که از ملیت های دیگر هم هستند اما کسی که بیشتر درک می کند و بیشتر در باورش مهدویت است؛ شیعه است؛ ایرانی است و ...

و کسانی که توانایی فکری دارند.....

من روایتی را از زبان پیامبر اکرم بخوانم؛

ما سه آیه داریم با تفصیلی که ذیل این آیات هست؛ به نوعی اشاره دارد به این که ابناء فارس نماد عینیت بخشیدن به این آیات هستند؛ از جمله این آیه: (آیه ۵۴ سوره مبارکه مائده):

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعْرَافًا
عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ
عَلِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید هر کس از شما از دین خود برگردد به زودی خدا گروهی [دیگر] را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند [اینان] با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرفرازند در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند این فضل خداست آن را به هر که بخواهد می دهد و خدا گشایشگر داناست؛

طبیعی است که تمام گروه های اطراف پیامبر این سوال برای آن ها پیش آمد که اینها کیانند ؟

جناب زمخشری کتاب کشف را دارد ایشان متوفای ۵۳۸ است (قرن ششم و پنجم) و از اهل تسنن است؛

و جالب این است که این حدیث مورد اتفاق تمام شیعه و سنی است.

البته در جلد اول این مطلب نیست ؛ اما در جلد چهارم صفحه ۵۳۰ آن جا این مطلب آورده شده است.

البته ذیل آیه سوره جمعه هم گفته شده و در باره آیه قتال هم باز همین تعبیر راجع به ایرانیان گفته شده و ...

از پیامبر سوال می شود این جمعیت کیانند؟

گفته شده: پیامبر دست بر شانه سلمان زد و فرمود این شخص و هم ولایتی های این آقا

بعد فرمود: لو كان الايمان معلقا بالثرى لنالها رجال من ابناء فارس ؛ اگر ایمان از زمین غروب کند و به ثریا برسد مردانی از فارس را می آورند و به آن عمل می کنند .

ما عینیت یافتن این حدیث را در حکومت مهدوی می بینیم ؛ با این که حضرت جنسیت ، ملیت ، رنگ و یا نژاد را مطمح نظر قرار نمی دهد.

با این که حضرت به سیره رسول خدا صلی الله علیه وآله عمل می کند؛ اما وقتی در یک جمعیتی پتانسیل بهتری می بیند، متفکران آماده تری باشند و مدیران لایقتری باشند ، از آن ها دعوت می کند.

ما نتیجه می گیریم که در ضابطه کلی ، حضرت صلاح را در نظر می گیرند در تطبیق این صغراها و کبرها بر موارد، طبیعتا می بینند کجا ظرفیت بیشتری وجود دارد، افراد خود را از بین آن اقوام جدا می کنند و تشکیل حکومت میدهند.

باز سوال از این است که شیوه حکمرانی امام به چه نحوی است؟ و نقش مردم در این حکومت چه میزان و به چه شکلی است؟

حکومت حضرت به نوعی تجسم حکومت مهدوی است ؛ یا حکومت علوی

ما اگر این مبنا را به آن معتقد باشیم ؛ باید بدانیم که براین اساس ، رضایت مردمی در حکومت مهدوی یک اساس است.

مخصوصا توده های مستضعف جامعه ؛

امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک می نویسند که هرگز رضایت توده مردم را از دست نده به قیمت گرفتن رضایت خواص خودخواه ؛ پس یک اصل رضایت عامه است؛ بی دلیل هم نیست ؛ اگر حکومتی بخواهد قوام پیدا کند ومستقر باشد باید رضایت عامه را با خود داشته باشد.

قرآن آن جاکه مطرح می کند: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات ؛ وانزلنا معهم الکتاب و المیزان

نمی فرماید که ما رسولان خود را به سوی مردم فرستادیم تا مردم را با عدالت آشنا کنند، تا عدالت را به مردم یاد دهند یا مردم را به اقامه عدل مجبور کنند. بلکه اساس ارسال رسل بر این است که مردم اتوماتیک خود به اقامه عدل اقدام کنند و عدل را به پا دارند.

عدالت در روابط اجتماعی و در روابط بین افراد می شود: قسط....

این پدیده بنا است که دقیقا در حکومت مهدوی انجام شود و تحقق یابد.

چون تجسم حکومت نبوی و علوی است ...

ما در مورد پیامبر عظیم الشان اسلام داریم که پیامبر د رمواردی با مردم مشورت می کرد و دستور الهی بود که شاورهم فی الامر

جالب این است که این شاورهم فی الامر بعد از جنگ احد است و تخلف عده ای از مسلمانان بود که انتظار می رفت پیامبر این ها را طرد کند؛ این ها همان عده ای بودند که در جنگ احد خود را کنار

کشیده بودند و خداوند دستور می دهد: فاعف عنهم و شاورهم فی الامر و حتی اینها را در مشورت هم مشارکت بده یا در جای دیگر می گوید: و امرهم شورا بینهم ...

مشورت به عنوان یک نهاد مورد تایید شرع و عقل در حکومت مهدوی هم هست...

باز در روایتی دیگر هست که همه مردم با تمام وجودشان از او امر امام علیه السلام اطاعت می کنند. نه این که چون قانون می گوید نه این که اگر تخلف کنند باید جریمه بدهند... صرفاً بر این اساس که جوششی از درون رخ می دهد.

اما این که شکل مشارکت به چه شکلی است این که قصه رای گیری است یا نه یا رای گیری به صورت یک مرحله ایست یا دو مرحله ای...

یا این که مبنا نخبه گرایی است این ها مساله و موضوعاتی است که باید کار شود به عنوان یک کار تحقیقاتی ...

و یک نکته دیگر این که اصولاً باید بدانیم آیا مثلاً دمکراسی در همه مراحل بهترین شکل حکومت است یا خیر الطرق المیسره است ...

اگر مردمانی باشند که راضی از حکومت باشند و بدانند که بهترین اشخاص دارند کشور را حکومت می کنند و امامی معصوم در راس هرم قدرت است؛ و امام علیه السلام هم تعیین کننده اشخاص باشند بنا نیست اگر مشکلی پیش آمد، به جایی بربخورد یا به عبارتی ایجاد اشکال کند.

ما در باره ویژگی های کارگزاران نظام حضرت داریم که اینها انسان های منعطف، شجاع، و قانون مدارند؛ اگر مدیری باشد که هم منعطف باشد هم قانون را رعایت کند، در مورد کارگزاران نظام مهدوی داریم که اهل نماز شب، اهل دعا، اهل زاری، انسانهایی حکیم و انسانهایی نسبت به کارشان مسلط هستند.

ما در روایات داریم؛ اما روی یک نکته که دوست دارم روی آن بحث کنم این که این کارگزاران حجاب بین خود و مردم را بر میدارند و مردم با آن ها راحتند .

بنده نمی گویم که این فاصله ها و حجاب کاملاً غلط است ؛ اما گاه ضرورتها اقتضا می کند ؛ این را ما باید درک کنیم اما بحث این است که ساده تر از این هم میتوان جریان را برگزار کرد. و ائمه روی این نکته که نباید بین مردم و مسئولین حجاب باشد در مواقع مختلف گوشزد ها داشتند ...

از ناحیه مقدسه ارواحنا فداه توقیعی صادر گردید بوسیله مرحوم عالم عامل متقی جناب آقای شیخ محمد کوفی رضوان الله علیه از برای سید الطائفه مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی قدس سره به این مضمون:

إجلس في الدهليز، واقض حوائج النَّاسِ وَنَحْنُ نَنْصِرُكَ؛ محل نشستنت را دهليز خانه انتخاب كن و حاجتهای مردم را برآور؛ ما یاری ات میکنیم.

در واقع آسید ابوالحسن یکی از کارگزارن نظام امام علیه السلام بود د ر عصر غیبت... و این نشان دهنده توجه امام بود که برطرف کردن هر فاصله ای بین کارگزاران و مردم .